



بالا خیابان، پایین خیابان

مجلات منطقه‌ها

بازخوانی تاریخ رواق دارالذکر که سرانجام آرامگاه رهبر شهید ایران شد

عاقبت به خیری موقوفه گوهرشاد

عیدگاه



عکس در سال ۱۳۸۲ ثبت شده است

از اماکن اطراف آن هم گرفته شد.

● مدرسه‌ای که مدرسه نشد

بخشی از خاطرات مرحوم احتشام کاویانیان، از خادمان حرم، که در کتاب «حريم ملڪوت» آمده، چنین است: «چون این مدرسه در زمین وقفی آستانه، بدون مجوز شرعی بود، از ابتدا حالت مدرسه‌ای به خود نگرفت. قسمت غربی آن که سالن مدرس بود، به آسایشگاه خدام و قسمت فوقانی آن به کتابخانه تبدیل شد. در سال ۱۳۴۳ بازسازی و تغییر کاربری یافت و با پوشش جدید سقف به صورت رواقی جدید درآمد و به دارالذکر موسوم شد. این بنا با محاسبه فضاهای جانبی حدود ۲۱۶ مترمربع مساحت دارد. کف رواق و آزاره از سنگ مرمر است و از بالای آزاره تمام دیوارها و سقف و راهرو با کاشی‌های معرق تزیین یافته و در وسط سقف با خط نسخ به صورت دایره، صلوات مخصوص امام علی بن موسی الرضا^(ع) نوشته شده است.»

دارالذکر در اصل به عنوان «برف انداز، مسجد گوهرشاد استفاده می‌شده و کاربری دیگری نداشته است تا زمانی که مدرسه علمیه‌ای در آن تأسیس شد. زمانی که علی نقی میرزا دستور ساخت مدرسه را داد، به او تذکر داده شد که نباید در این محل ساخت و سازی صورت گیرد. چرا که آنجا موقوفه مسجد گوهرشاد بوده است. اما این تذکر مورد توجه قرار نگرفت و بنایی به عنوان مدرسه علمیه علی نقی میرزا ساخته شد. اما به دلایل مختلف مورد اقبال طلاب قرار نگرفته و بلا استفاده باقی ماند.»

این پژوهشگر تاریخ ادامه می‌دهد که این فضا در سال‌های بعد نیز با کاربری‌های مختلف به حیات خود ادامه داد. مدتی به عنوان انبار فرش و بیت فراشان بود و در دوره‌ای از اوایل حکومت پهلوی نیز کتابخانه آستان قدس به طبقه دوم ساختمان این محل منتقل شد و مدتی در آنجا فعال بود. به گفته نواییان، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با توجه به نزدیک بودن این مکان به روضه منوره و قرار گرفتن آن در مسیر تشریف‌زائران، سپهبد امیرعزیزی، نایب التولیه وقت آستان قدس، تصمیم گرفت این مدرسه را به یک رواق تبدیل کند؛ تصمیم مشابهی که برای بسیاری

سکینه تاجی ارواق دارالذکر، واقع در جنوب شرقی روضه منوره، از فضاهای به نسبت جدید حرم مطهر امام رضا^(ع) است. این مکان از شرق به حجره‌های صحن آزادی، از شمال به دارالسرور، از غرب به دارالعهز و از جنوب به دارالزهد متصل است. رواق دارالذکر در دوره‌های مختلف تاریخی کاربری متفاوتی داشته است. در گذشته، این رواق بخشی از موقوفات مسجد گوهرشاد بود و بعدها به عنوان مدرسه علمیه بهره‌برداری شد.

● از مدرسه علمیه علی نقی میرزا تا کتابخانه

آن طور که در اسناد آستان قدس رضوی آمده است، در زمان حاکمیت فتح‌علی شاه برای ایران، علی نقی میرزا کن الدوله، پسر فتح‌علی شاه، متولی آستان قدس و والی خراسان بود. پس از پایان ساخت صحن (نوآزادی کنونی)، علی نقی میرزا به حاج آقا جان، معمار باشی آستان، دستور ساخت مدرسه‌ای را داد، تکه زمینی بلا استفاده، پشت زاویه غربی این صحن داد؛ مدرسه‌ای که بنای آن، چند سال پس از عزل او به اتمام رسید. جواد نواییان رودسری، پژوهشگر تاریخ مشهد، درباره تاریخچه شکل‌گیری این رواق می‌گوید: محل کنونی رواق

سوپری ته پل محله ۶ از رد پای مهاجران قدیمی در محله بالاخیابان می‌گوید

ندری‌های سخاوتمندان مسجد ترک‌ها

سمیرا شاهیان، مغازه‌دار ارشد در میانه‌های کوچه ته پل محله ۶، در محله بالاخیابان، فقط محل کسب و کار نیست، بلکه صندوقچه خاطرات است. جواد علیزاده متولد سال ۱۳۴۷ و ساکن همیشگی همین محله است. مغازه او پاتوقی است که سی سال است بر سر یک اصل با اهالی، به ویژه نوجوانان و جوانان مانده است: در این مغازه سیگار فروخته نمی‌شود. دو کاغذ که این پیام را به زبان‌های فارسی و عربی در خود دارند، گواه این موضوع اند. در میانه یکی از همین روزها کمی متقاضیان مغازه آقای علیزاده کم‌ترند، با او در حوالی مغازه‌اش گشتی زده ایم.



● مناسبت هادر محله‌های قدیمی خیلی پررنگ بود. هنوز هم خاطره عیدهای غدیر خیابان بهجت ۱۳، حال را خوب می‌کند. این کوچه در گذشته «شهید حافظیان» بود و به واسطه حضور پررنگ خانواده‌های سادات، حال و هوای خاصی داشت. یاد می‌آید یک سال، رمضان، یکی از همسایه‌هایمان، «میرداود هاشمی»، که چند فرزند معلول هم داشتند، درگیر خاک‌سپاری یکی از عزیزانشان بودند. وقتی که آن‌ها از خاک‌سپاری بازگشتند، با لطف همسایه‌ها رو به رو شدند. مرحوم طاهره خانم یاری با کمک همسایه‌ها، سماور را روشن کرده و بساط افطار را برایشان چیده بودند.

● اینجا مرحوم «بی‌بی» زندگی می‌کرد که اصالتا اهل بابل بود و به مشهد پناه آورده بود و به تنهایی در اینجا زندگی می‌کرد. در طول این سال‌ها همسایه‌ها هوایش را داشتند و به او کمک می‌کردند. یکی دو سال قبل از فوتش به دلیل بیماری راهی بیمارستان شد. سرانجام با کمک یکی از تکنیسین‌های اورژانس که همراه با مادرش برای کمک به بی‌بی می‌آمد، او را به خانه سالمندان سپردیم و چند سال بعد هم فوت کرد.



● اینجا را خیلی‌ها به نام «محله ترک‌ها» می‌شناسند. قصه‌اش به سال‌هایی برمی‌گردد که ایرانیان ساکن آن سوی مرزهای شوروی به کشور برگشتند و در خانه‌های ویلایی این کوچه ساکن شدند. این محله با مسجد ترک‌ها هم حال و هوای دیگری داشت. هنوز هم که یاد مراسم سوم امام حسین^(ع) می‌افتم، طعم آن پلو قیমে‌های مفصل و نذری‌های سخاوتمندان ترک‌زبان‌های محله زیر زبانه می‌آید.